info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۴۸
شنبه / ۵ بهمن / ۱۳۹۸
/۲۹ جمادی الاول / ۱۴۴۱
25 / Jan/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگانان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

با شعرای کرج

ستاره درخشان شیدایی

تقاشی دل انگیز خورشیدی
بر پهنه ی آسمان عشق
سوسو می زنی
در فضای دلم
ای ستاره ی درخشان شیدایی
آرامش می بخشی
چون مهتاب
می سپاری ام در آغوش
چون شب
گلدر زمان
بیشتر می کند
شوق دیدارت را

بهروز قاسمی (رها)

خبرچه

افشاگری سایت آمریکایی از کج‌فهمی ترامپ در مورد ایران

تارنمای آمریکایی دیلی‌پیست در گزارشی عنوان کرد که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا برای بهانه‌تراشی جهت صدور فرمان ترور سردار قاسم سلیمانی فرمانده شهید نیروی قدس دچار کج‌فهمی و سوءبرداشت شده و واقعیات را درست نشنیده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری آنلاین، ترامپ در توجیه ترور سردار سلیمانی گفت که دستور ترور را به دلیل تهدید «قریب الوقوع» اهداف آمریکایی از جمله چهار سفارتخانه این کشور صادر کرده است. «موجودیت چنین تهدیدی می‌توانست به ترامپ توجیه قانونی برای این حمله و دوری از واکنش‌های بین‌المللی و داخلی دهد. اما تارنمای آمریکایی دیلی‌پیست در گزارشی به نقل از منابع مطلع فاش کرد که ترامپ ادعای خود در مورد حمله ایران به چهار سفارتخانه آمریکایی را با بدفهمی و سوءبرداشت اطلاعاتی مطرح کرده است. در حالی که این اطلاعات، هیچ اشاره‌ای به وجود تهدید ویژه و خاص از سوی ایران نداشته‌اند.

منابع مزبور به دیلی‌پیست گفتند که در جلسات توجیه اطلاعات، سفارتخانه‌های آمریکا جزو اهداف احتمالی حملات تلافی جویانه ایران عنوان شدند، اما خطری قریب‌الوقوع برای آمریکا به شما نیامدند. این منابع هم‌چنین گفتند که در جلسات توجیه اطلاعات، به تعداد دقیق سفارتخانه‌های در معرض تهدید اشاره‌ای نشد.

در گزارش دیلی‌پیست آمده است: یک مقام آمریکایی گفت که ترامپ به معض شنیدن کلمه «سفارتخانه‌ها»، حرف دیگران را قطع کرد و افراد مطلع را مورد پرسش و پاسخ قرار داد. از همان جا بود که وی این تهدید احتمالی را یک خطر قطعی نزدیک تلقی کرد.

سردار سپهبد قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس و ابومهدی المهندس معاون سازمان نیروهای مردمی عراق به همراه ۸ نفر دیگر بامداد جمعه ۱۳ دی در مسیر فرودگاه بغداد به دستور دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و با شلیک از پهپادهای وزارت دفاع این کشور (پنتاگون) ترور شدند و به شهادت رسیدند.

دولت ترامپ ظرف چند ساعت، استدلال های خود برای ترور سردار سلیمانی را تغییر داد. وزارت دفاع آمریکا با صدور بیانیه ای اعلام کرد که این حمله با هدف جلوگیری از حمله آن ایران انجام شد و سردار سلیمانی مسئول مرگ صدها آمریکایی بود.

مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا به فراتکنی روی آورد و سخنان شماری از مقام‌های نظامی آمریکا مبنی بر درست بودن ارزیابی‌های اطلاعاتی واشنگتن در مورد خطرات احتمالی برنامه‌های آینده سردار سلیمانی را بازگو کرد.

پمپئو روز یکشنبه (۱۵ دی) در گفتوگو با شبکه تلویزیونی «ابی‌سی» گفت ارزیابی اطلاعاتی آمریکا این مساله را روشن کرد که اگر اقدامی اتخاذ نمی‌شد، امکان می‌یافت برنامه‌هایی را عملی کند و خطری بیش از اقدامی که ما اتخاذ کردیم، ایجاد می‌کرد. کسانی را که به دنبال ساماندهی حمله علیه اهداف آمریکایی هستند با حمله پاسخ‌گو می‌دهیم.

در حالی وزیر امور خارجه آمریکا چنین سخنانی را مطرح کرد که روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی نوشت که برخی مقام‌های دولت آمریکا در مورد اطلاعات جاسوسی برای توجیه طرح ترور سردار سلیمانی دچار اختلاف بوده و نسبت به آن تردید داشتند.

به نوشته این روزنامه، شماری از مقام‌های ارشد دولت آمریکا مدعی شدند که هدف از ترور سردار سلیمانی جلوگیری از حمله بود، اما برخی مقام‌های دیگر هم‌چنان در مورد دلایل توجیهی برای این ترور تردید دارند.

نیویورک‌تایمز به نقل از یک مقام آمریکایی نوشت: اطلاعات جاسوسی جدید نشان می‌داد که سی‌ام‌سلیمر (تهم‌دی) «یک دوشنبه معمولی در خاورمیانه» است و سفرهای سلیمانی مثل همیشه بود.

به گفته مقام‌های دولت آمریکا، پمپئو و مایک پنس معاون رئیس جمهوری ایالات متحده، جنگ‌طلب‌ترین مقام‌هایی بودند که خواهان پاسخ به ایران بودند. دموکرات‌های کنگره نیز تردیدهای قزاینده‌ای درباره اطلاعات ادعایی آمریکا ابراز کردند. جورج دیلیو بوش و براک اوباما رئیس جمهوری پیشین آمریکا گزینه ترور سردار سلیمانی را رد کرده و آن را بسیار تحریک‌آمیز می‌دانستند.

از سویی، ترامپ ۹ رقیبه (۱۹ دی) ادعا کرد که سردار سلیمانی قصد داشت یک سفارتخانه آمریکایی را مفتوح کند. وی چند روز بعد گفت که ایران برنامه حمله به چهار سفارتخانه آمریکا را تعداد نامشخصی از پایگاه‌های نظامی این کشور را چیده بود.

نه ترامپ و نه هیچ یک از مقام‌های دولت وی مدرکی برای حمایت از این ادعاها ارائه نداشتند. بعلاوه، مارک اسپر وزیر دفاع آمریکا گفت که مدرک خاصی دال بر توطئه چینی ایران مشاهده نکرده است.

در نهایت ترامپ گفت که واقعاً مهم نیست که آیا سردار سلیمانی یک تهدید واقعی را طی کرد یا نه. زیرا وی در گذشته اقدامات وحشتناک انجام داده بود.

وی برای توجیه تصمیم خلاف مقررات بین‌المللی که حتی متحدانش به آن اذعان دارند، گفت: این مساله مهم است زیرا به موجب قانون بین الملل، حمله به دشمن مورد تهدید قریب الوقوع در نظر گرفته شود.

تلنگر

کتابخانه مردمان کدام کشورها پربارتر است؟

مختصات جغرافیایی دوست‌داران کتاب

ویسایت «ویک» فهرستی از ۱۵ کشوری که مردم آن علاقه زیادی به کتاب و کتاب‌خوانی دارند، منتشر کرد. محققان دانشگاه ملی استرالیا و دانشگاه تولدادر آمریکا تحقیقاتی را درباره سطح کتاب‌خوانی افراد کشورهای مختلف انجام دادند. آنها این پژوهش را روی افراد بین ۲۵ تا ۶۵ سال در ۲۱ کشور مختلف جهان انجام دادند و از آنها درباره تعداد کتاب‌هایی که در ۱۶ سالگی در خانه خود داشته‌اند پرسش کردند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ویک، براساس این پژوهش، تعداد کتاب‌های موجود در خانه افراد در ۱۶ سالگی نتایج مثبتی بر سطح سواد و مهارت‌های فناوری اطلاعات آنها در سال‌های آینده داشته‌اند؛ صرف نظر از اینکه آن شخص چقدر آن کتاب‌ها را مطالعه می‌کرده است. برای مثال در جدول زیر می‌توان این اطلاعات را دریافت که در خانه یک فرد ۱۶ ساله اهل استونی به‌طور میانگین ۲۱۶ کتاب وجود دارد.

این شاخص برای خانه‌ای که یک نوجوان ۱۶ ساله آمریکایی در آن زندگی می‌کند ۱۱۴ است. نتایج این پژوهش نشان داد به‌طور میانگین مردم استونی در هر خانه ۲۱۸ کتاب داشته‌اند و یک‌سوم از پاسخ‌دهندگان استونی هم اعلام کرده‌اند که در سن ۱۶ سالگی بیش از ۲۵۰ کتاب در خانه خود داشته‌اند. این شکل از آمارگیری و شاخص‌بندی تحولی دیگر در فهم مصرف کتاب در جوامع به‌دست داده و شیوه‌های متداول مربوط به میزان سرانه مطالعه کتاب و مصرف این کالای فرهنگی را به چالش کشیده است.

براساس تحلیل‌های مبتنی بر نتایج این پژوهش اینکه یک شخص کتاب‌های بیشتری در خانه داشته باشد، حتی اگر آنها را مطالعه هم نکند، این مساله بر نتایج تحصیلی آن شخص تاثیر مثبت داشته است. در واقع یکی از مهم‌ترین نکات مورد توجه در این پژوهش آن است که مطالعه کتاب در کتابخانه‌های عمومی از فرآیند پژوهش حذف شده و بیش از آن امکان مطالعه در خانه واثرگذاری حضور کتابخانه‌های شخصی در شیوه جامعه‌پذیری نوجوانان مورد توجه قرار گرفته است. در جدول پیش‌رو، فهرستی از ۱۵ کشوری که مردم آن بیش از همه عاشق کتاب و کتاب‌خوانی هستند، گردآوری شده است.

مقاله

پول خوشبختی هم می‌آورد، اگر درست خرجش کنید!

اشاره: این مطلب را لارا اتنیس توشته است و در تاریخ ۲۰ توامبر ۲۰۱۹ در ویسایت ووکس منتشر شده است. ویسایت ترجمان آن را در تاریخ ۸ دی ۱۳۹۸ با عنوان «پول خوشبختی هم می‌آورد، اگر درست خرجش کنید» و ترجمهٔ محمدمعمارزادیان منتشر کرده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ترجمان، اوایل فوریه بود. در لس‌آنجلس، و آندرا ایزگاریان ۲۹ ساله به نقطهٔ اوج کارش رسیده بود. او به‌عنوان مدیر عملیات‌های رسانه‌ای در شرکت کوئنتست دعوت کرده بودند در مراسم اهدای جوایز گرمی شرکت کند.

در همان حال که هنرمندانی مثل لیدی گاگا و آلیشا کیز مشغول اجرا بودند، در قرقهٔ اختصاصی شرکت، مدیران آقا با کت‌وشلوار رسمی و مدیران خانم با لباس‌های مجلسی‌اش که شان‌دان روی زمین می‌کشید، شمپانین‌های تعارفی را مزمزه می‌کردند. ایزگاریان می‌گوید: «فرصتی عالی برای شبکه‌سازی داشتم. آن‌ها در زمرهٔ باهوش‌ترین آدم‌هایی بودند که تا آن روز دیده بودم. آدم‌هایی واقعاً شگفت‌انگیز که برایشان احترام قائل بودم.» ولی در همان حال که صحنه را زیر نظر داشت، فقط یک چیز از ذهنش می‌گذشت: «نمی‌توانم تا سی یا چهل سال آینده مشغول این کار باشم.»

ایزگاریان حس می‌کرد پیچ یا مُهره‌ای در یک ماشین بزرگ است. در کمال بی‌قراری، برای شبکه‌ای از مکان‌های مناسب برای زندگی و کار کنار همدیگر را در جنوب‌شرقی آسیا اداره می‌کند و قرار بود روابط رسانه‌ای این مجموعه را در دفتر جدیدش در بالی هند اداره کند. در شب اهدای جوایز گرمی، ایزگاریان تصمیمش را گرفت: اگر او کت‌وشلوار بپوشد، بیشتر هدایت می‌داد.

کمتر از دو ماه بعد، او اکثر وسایلش را فروخت و به بالی رفت: شهری مرطوب پر آشوب، با زیبایی خیره‌کننده. با این تصمیم سیزده هزار کیلومتر میان او و خانواده‌اش فاصله افتاد. دستمزدش کم شد و به‌جای آنکه تنبال موفقیت حرفه‌ای به محتای سنتی‌اش برود بر سبک‌زندگی‌اش تمرکز کرد.

ایزگاریان می‌گوید که «رجعم خوشحال‌تر است. الآن که بار رفت‌وآمد یک ساعته و برنامهٔ سنگین کاری روی دوشش نیست، ساده‌تر می‌تواند روزمره زندگی را پیش ببرد. شروع می‌کند به گفتن: «اگر ریسک تمی‌کردم که آمریکای تحت سیطرهٔ شرکت‌ها را ترک کنم تا ببینم چه چیزهای دیگری هست و واقعاً با یه دنیای بیرون یکنارم.» و بعد با صدایی آرام‌تر ادامه می‌دهد: «اگر این کار را تمی‌کردم، واقعاً مایهٔ حسرتم می‌شد.»

بسیاری از ما حس ترافیلتی و رکود ایزگاریان را می‌فهمیم. این حس لجوج و سرسخت که مسیر پیش روی ما ته لذتبخش است و ته سعادت باوفایی می‌آورد (صدالبته همین که بتوانی تکرار چنین چیزهایی باشی، امتیاز بزرگی در زندگی است)

گویا رفتن به بالی برای ایزگاریان جواب داده است. اما یادزهرهای دیگری هم می‌توان یافت. حجم روانفزونی از تحقیقات نشان داده‌اند که اگر طرز فکرمان دربارهٔ پول را عوض کنیم و تصمیم‌هایی مالی بگیریم که به دستاوردهای درازمدت از جهت رضایت از زندگی می‌انجامند، مطمئناً می‌توانیم خوشبخت‌ترشویم.

مطالعهٔ شادی را به دو دستهٔ کلی تقسیم می‌کنند: سطح هیجانات مثبت از قبیل افتخار و لذت و رضایت و کنجکاوی که هر روز تجربه می‌کنیم، و در سوی دیگر، احساس رضایت و کامیابی کلی و فراگیر و ثابت، سوتیا لیوبومرسکی، استاد روان‌شناسی در دانشگاه کالیفرنیا-ریورساید و مؤلف کتاب چطور شاد باشیم، یک رویکرد علمی برای رسیدن به زندگی دلخواه، می‌گوید: «هر وجه ماجرا از این قرار است: شاد بودن در زندگی و شاد بودن از زندگی».

عمدهٔ پژوهش‌های ویلاژز در این باره بوده است که برون‌سپاری وظایف ناخوشایند یا متفور چه تأثیر مثبتی بر سعادتمندی دارد. او و همکارانش اشاره‌ها در این باره انجام دادند. در یکی از این مطالعات که پیش از همه پوشش داده شده، شرکت‌کنندگانی که ۴۰ دلار خرج کردند تا برای خود وقت بخرند، سرحال‌تر و کم‌استرس‌تر از زمانی بودند که محصولی می‌خریدند. در یک مطالعهٔ دیگر، زوج‌هایی که می‌گفتند خریدهای مشترک‌شی می‌کنند، رابطه‌ای شادتر داشتند.

تأثیر برون‌سپاری بر شادی، بدیهی به نظر می‌رسد. اگر کارهای ناخوشایند یا خسته‌کننده وزمان‌بر زندگی (تمیزکاری، شستن‌وحمل‌ونقل عمومی) را برایمان انجام بدهند، وناگهان چندین ساعت هدیه بگیریم که می‌توانیم صرف فعالیت‌های معنادارتر و لذت‌بخش‌تر از (قبیل دیدار دوستان یا رفتن به سینما) بکنیم، شادتر می‌شویم؛ مگر نه؟ ویلاژز می‌گوید که متأسفانه ما بلد نیستیم به وقت بیش از پول ارزش بدهیم. برخی تیروهای اجتماعی قدرتمندتر در کارند که ما را به سمت این سبک‌ستگین کردن ذهنی سوق می‌دهند، از جمله میل به اینکه سرشناؤ بودن را معادل شأن اجتماعی بدانیم، و تصور اینکه موفقیت یعنی مدیریت تمام حوزه‌های زندگی بدون کمک گرفتن از دیگران. در یک مقیاس کوچک‌تر همین مقایسه موجب می‌شود که تاکسی گرفتن برای رفتن به فرودگاه یا سفارش غذای بیرون‌بر (خدماتی که در وقت صرفه‌جویی می‌کنند)، در برابر خریدهایی که به چیزی ملموس (مثلاً یک کُت یا تیمکت) می‌رسند، ولخرجی به حساب بیاید. در یک مقیاس بزرگ‌تر، این رویکرد می‌تواند به سلسله‌ای از تصمیم‌های روزبه‌روز شدیدتر منجر شود که پول‌مان را حفظ می‌کنند اما وقت‌مان را به باد می‌دهند.

پول‌دادن برای تجربه

اگر قرار باشد بین بیرون رفتن و صرف شام با یک دوست یا خرید یک تلویزیون جدید، گزینه‌ای را انتخاب کنید، دومی شاید سرمایه‌گذاری خردمندانه‌تری به نظر برسد. یک وعده غذا تمام می‌شود اما تلویزیون ماندنی است.

از منظر فیزیکی، این حرف درست است. ولی به گفتهٔ تام گیلوویچ، استاد روان‌شناسی دانشگاه کرنل، از منظر روان‌شناسی خریدن یک چیز عمق و دامنهٔ تأثیرگذاری کمتری دارد. انسان‌ها به‌کاربستن برخی از این لبه‌ها یا اجرای مرتب و دائمی شان، شادتر می‌شوند.

رعین حل، ویلاژز می‌گوید: «فقط پول داشتن لزوماً به شادی بیشتر تمی‌انجامد. اما استفادهٔ درست از آن می‌تواند چنین ثمری داشته باشد.»

وقت‌خریدن

مکاسکیل می‌گوید توع‌دوستی مؤثر به او کمک کرد از دام افسردگی مزمن درآید. او ابتدا حتیال درمان رفت. چون بهره‌وری‌اش صفر شده بود، و احساس کرد مسئولیت اخلاقی دارد که در جهت مقصود و متظوری فراتر و عظیم‌تر از خودش تلاش کند. او می‌گوید: «حی‌دانم اگر وضعم آن‌طور نبود، باز هم این انگیزه را داشتم یا نه».

پول خرج کردن برای دیگران می‌تواند فی‌نفسه سودمند باشد. تورتون، از دانشگاه هاروارد، در سلسله‌ای از آزمایش‌ها همکاری داشت که نشان داد افراد پس از پول خرج کردن برای دیگران، در مقایسه با خرج کردن برای خودشان، شادترند. و همچنین یک‌ی از مؤلفان پیمایشی بوده است که نشان داد بین رضایت از زندگی و خرج درصدی از درآمد سالیانه برای دیگران، همبستگی وجود دارد. وقتی افراد برای خودشان خرج می‌کردند، این همبستگی دیده‌نمی‌شد.

ولی هنوز مانده تا یافته‌ها را به ملتی از بخشندگان تبدیل کند. تورتون می‌گوید در ایالات متحده، مردم به طور متوسط بین ۲ تا ۵ درصد از درآمدشان را سالانه به خیریه‌ها می‌دهند. که آمارش در تمام اقتدار درآمدی هم تستیأ یکنواخت است.

به گفتهٔ او، هر کس که یک سفر را رزرو کرده باشد یا هجوم سرمستی آور دوپامین در زمان بازکردن جعبهٔ یک خرید جدید را تجربه کرده است می‌تواند شهادت بدهد: «این‌جور نیست که پول خرج کردن برای خودتان، حس خوبی نداشته باشد. متکل اینجاست که خیلی دوام ندارد».

گیلوویچ، همان استاد روان‌شناسی کرنل، از زمانی که پژوهش تورتون را پیدا کرد، عامدانه تلاش کرده است تا بیشتر به خیریه‌ها پول بدهد و در زندگی‌اش با دیگران سخاوتمند باشد. اخیراً او و همسرش قبالیی سفارش دادند تا به آدرس دوستی ارسال شود که دوران سختی را می‌گذراند. او می‌گوید به محض اینکه دکمه را فشار داد تا سفارشش را ثبت کند، چنان لذتی بُرد که هرگز در سفارش دادن تقاضای خودش تجربه نکرده بود.

«بعید است یافته‌ای دلربا‌تر از این بتوان پیدا کرد که با بخشش پول، نه‌تنها کس دیگری را شادتر می‌کنید، که خودتان را هم شادتر می‌کنید».

مهارتی فاجعه‌بار در انطباق یافتن با عیش و عشرت دارند. طی این فرآیند انطباق، ما خودمان را چنان تمام و کامل با چیزهای جدیدتر و بهتر وفق می‌دهیم که این چیزها از ضمیر آگاهمان حذف می‌شوند. در نتیجه، هیچ شادی ماندگاری باقی‌نمی‌ماند.

تجربه‌ها غالباً سرمایه‌گذاری بهتری هستند. گیلوویچ می‌گوید: «از لحاظ مادی تجربه‌هایی آیند و می‌روند، ولی داستان‌هایی که تعریف می‌کنیم، رابطه‌هایی که محکم می‌کنیم، و تهایتاً فهم‌مان از کیستی و هویت‌مان، توشهٔ زندگی‌مان می‌شود». همچنین تجربه‌ها خیلی به درد برآورده کردن یکی از نیاز پایه‌ای و اساسی ما می‌خورد: رابطهٔ معنادار با دیگر انسان‌ها حتی فعالیت‌های ساده و معمول و هر فعالیت آن را دارند که از طریق خاطره‌ها و پیوندها، فهم ما از هویت خودمان را شکل بدهند. گیلوویچ می‌گوید: «از یک جهت مهم، مامجموع کل تجربه‌هایمان هستیم».

بخشیدن

ویلیام مک‌اسکیل، استادیار فلسفه در دانشگاه آکسفورد، از مؤسسان جنبش توع‌دوستی مؤثر بوده است. عمدهٔ وقت و درآمد سالانه‌اش (مازاد بر ۳۴ هزار دلار) صرف آن می‌شود که با متابع محدودش، بیشترین تیکی را انجام دهد و دیگران را هم به این کار ترغیب کند.

مک‌اسکیل می‌گوید توع‌دوستی مؤثر به او کمک کرد از دام افسردگی مزمن درآید. او ابتدا حتیال درمان رفت. چون بهره‌وری‌اش صفر شده بود، و احساس کرد مسئولیت اخلاقی دارد که در جهت مقصود و متظوری فراتر و عظیم‌تر از خودش تلاش کند. او می‌گوید: «حی‌دانم اگر وضعم آن‌طور نبود، باز هم این انگیزه را داشتم یا نه».

پول خرج کردن برای دیگران می‌تواند فی‌نفسه سودمند باشد. تورتون، از دانشگاه هاروارد، در سلسله‌ای از آزمایش‌ها همکاری داشت که نشان داد افراد پس از پول خرج کردن برای دیگران، در مقایسه با خرج کردن برای خودشان، شادترند. و همچنین یک‌ی از مؤلفان پیمایشی بوده است که نشان داد بین رضایت از زندگی و خرج درصدی از درآمد سالیانه برای دیگران، همبستگی وجود دارد. وقتی افراد برای خودشان خرج می‌کردند، این همبستگی دیده‌نمی‌شد.

ولی هنوز مانده تا یافته‌ها را به ملتی از بخشندگان تبدیل کند. تورتون می‌گوید در ایالات متحده، مردم به طور متوسط بین ۲ تا ۵ درصد از درآمدشان را سالانه به خیریه‌ها می‌دهند. که آمارش در تمام اقتدار درآمدی هم تستیأ یکنواخت است.

به گفتهٔ او، هر کس که یک سفر را رزرو کرده باشد یا هجوم سرمستی آور دوپامین در زمان بازکردن جعبهٔ یک خرید جدید را تجربه کرده است می‌تواند شهادت بدهد: «این‌جور نیست که پول خرج کردن برای خودتان، حس خوبی نداشته باشد. متکل اینجاست که خیلی دوام ندارد».

گیلوویچ، همان استاد روان‌شناسی کرنل، از زمانی که پژوهش تورتون را پیدا کرد، عامدانه تلاش کرده است تا بیشتر به خیریه‌ها موقعیت گذشته را از دست داده بود و بی‌مقدمه گفت: «آقا دیدید این انگلیسی‌های حقه‌باز چه بلایی بر سر ما آوردند؟» و سپس افزود: «هزاره به یک پدروخته‌ای پول داده‌اند که کتابی نوشته به نام دایی جان نایلتون و دخالت انگلیس‌ها در امور ما را به طنز گرفته که یعنی این حرف‌ها نیست و ما نوجه‌ی ببینید چقدر پدروخته هستند. در حالی که کار کلاهِ مرا انگلیس‌های حقه‌باز است.» سپس با توجه به اینکه خودش را معرفی کرده بود طبیعتاً انتظار داشت که من نیز خودم را معرفی کنم و بپرسید: «بنده افتخار آشنایی با چه کسی را دارم؟» و من که جا خورده بودم و با آن مقدمه جرات معرفی خودم را نداشتم، بدون درنگ عرض کردم: «بنده هم ایوالقاسم ضیغمی، کارشناس معاملات ملکی هستم!»

برگه

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۷	۰۷:۱۶	۱۲:۱۶	۱۷:۱۵	۱۷:۳۴

خوانک

هر سوی، موج فتنه
گرفته‌ست و زین میان
آسایشی که هست مرا در
کنار توست

هوشنگ ابتهاج

فال ۴۷۴

امروز با حافظ

عیشم مدام است از لعل دلخواه
کارم به کام است الحمدلله
ای بخت سرکش تنگش به بر کش
گه جام زر کش گه لعل دلخواه

برگه

چه به توانستن بیندیشید؛ چه به نتوانستن؛ در هر دو صورت حق با شماست.

هنری فورد

بریده جراید

جزئیات برخورد با هیات‌های علمی که دچار «رکود علمی» می‌شوند

مهر- معاون آموزشی دانشگاه تهران درباره برخورد با اعضای هیات‌های علمی که دچار رکود علمی می‌شوند، گفت: اسامی افرادی که طی سه سال موفق به کسب ترفیع نشده‌اند به رئیس دانشگاه اعلام می‌شود.

حسین حسینی در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره برخورد دانشگاه با اعضای هیات علمی که دچار رکود علمی می‌شوند، توضیح داد و اظهار کرد: اگر رئیس دانشگاه به هر نحو از رکود علمی و عدم کفایت و صلاحیت عضو هیات علمی برای اجرای وظایف محوله مطلع شود، کمیسیونی با سه نفر از اعضای هیات علمی صاحب صلاحیت که ترجیحاً دارای مرتبه استادی باشند، تشکل خواهد شد.

معاون آموزشی دانشگاه تهران افزود: در صورتی که نتیجه این جلسه حاکی از رکود علمی عضو و یا عدم کفایت یا صلاحیت برای انجام وظایف باشد، رئیس دانشگاه مراتب را برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم نهایی به هیات ممیزه دانشگاه اعلام خواهد کرد.

حسینی با اشاره به اینکه اگر هیات ممیزه رکود علمی را تایید کرد، به سه روش با فرد برخورد می‌شود، خاطرنشان کرد: بر اساس آیین نامه استخدامی اعضای هیات علمی، روش نخست این است که اگر عضو هیات علمی واجد شرایط بازنشسته شدن باشد، بازنشسته می‌شود. روش دوم نیز به این صورت است که اگر حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت قابل قبول داشته باشد، با حداقل ۲۰ روز حقوق و مزایا با هماهنگی صندوق بازنشستگی ذی‌ربط بازنشسته می‌شود.

معاون آموزشی دانشگاه تهران بیان کرد: در صورتی که فرد شرایط بازنشسته شدن را نداشته باشد، سنوات قابل قبول او با پرداخت تا ۳۰ روز حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی به ازای هر سال خدمت قابل قبول، به تشخیص هیات رئیسه به علاوه وجوه مرخصی‌های ذخیره شده باز خرید می‌شود.

وی ادامه داد: معاونت آموزشی دانشگاه موظف است سالانه فهرست اعضایی را که در طول سه سال متوالی موفق به کسب یک پایه ترفیع نشده‌اند، برای بررسی رکود علمی و تصمیم‌گیری به رئیس دانشگاه اعلام کند.

حسینی با اشاره به اینکه اعضای هیات علمی در دانشگاه‌های برتر، حداقل انتظارات علمی را برآورده می‌کنند، گفت: در دانشگاه تهران تعداد این افراد که نتوانند در سه سال متوالی موفق به کسب یک پایه ترفیع نشوند، اندک است.

کار کارِ انگلیسی هاست!

اعتماد، فریدون مجلسی- جک استرا، وزیر خارجه اسبق بریتانیا که در مذاکرات اولیه برنامه هسته‌ای ایران به همراه وزرای خارجه فرانسه و آلمان نقشی محوری داشت، اخیراً کتابی نوشته به نام «کار کارِ انگلیسی هاست». جک استرا با اشاره به کتاب مشهور دایی جان نایلتون می‌گوید: «شاید ایرانی‌ها آخرین ملتی باشند که هنوز بریتانیا را یک برقدرت می‌پندارند.»

نام دایی جان نایلتون مرا به یاد سال ۱۳۵۷ انداخت که از ماموریت در نمایندگی ایران نزد اتحادیه‌های اروپایی در بروکسل بازگشته و در اداره سوم سیاسی (اروپای غربی) مشغول کار شده بودم. رئیس من از قضا ایرج پزشک‌زاد نویسنده دایی جان نایلتون بود که برایم فرستی آموختنی و مغتنم بود. برای نیل به مقام دبیر اولی امتحاناتی جدی را با امتیاز خوب پشت سر گذاشته بودم و از رئیسم کتابی به نام «مجاری دیپلماتیک» جایزه گرفتم. نویسنده کتاب، هامفری تورولیان، دیپلمات نامدار انگلیس بود که در دوران جنگ سوئز سفیر انگلیس در مصر و در زمان کودتای عبدالکریم قاسم سفیر انگلیس در عراق بود. آن کتاب جالب را به فارسی ترجمه کردم. تورولیان نیز در آن کتاب به ذهنیت «کار کارِ انگلیسی هاست» در کل خاورمیانه اشاره می‌کند و در جایی می‌نویسد: «هرگز نمی‌توانستم به ناصر بقبولانم که هر اظهارنظری از سوی مفسران بی‌بی‌سی یا از سوی کرسی نشینان پارلمان مستقیماً از سوی نخست‌وزیر القا شده است و بیانگر سیاست حکومت بریتانیا نیست. آنان هنوز این ضرب‌المثل قدیمی را قبول داشتند که اگر دو ماهی در دریا با یکدیگر بجنگند حتما دست انگلیسی‌ها در پس کار است. برای مثال، وقتی ما در عراق با قاسم درگیری دایمی داشتیم، ظاهراً همه بر این باور بودند که من پیش از هر جلسه هیات دولت تعلیمات لازم را به او می‌دهم. ملک فیصل پادشاه عربستان با طرز فکری کاملاً عربی به مردم (از جمله به ناصر که مطلب را با من درمیان گذاشت) می‌گفت که من کمونیست هستم و با جبهه آزادیبخش عربستان جنوبی [عدن] توطئه کردهام تا سلطان‌های عربستان جنوبی را برکنار کنم.»

ظاهراً اعتقاد به دسیسه‌چینی انگلیسی‌ها منحصر به خاورمیانه نبوده است. تورولیان در جایی دارد مذاکرات مربوط به تشکیل دولت آلمان غربی می‌نویسد: «نزدیک کردن عقایدمتفقین سه‌گانه همیشه کار آسانی نبود. آلمان‌ها خودشان را بایک ماهی در یک منبع آب مقایسه می‌کردند که یاسه ماهیگیر مواجه باشند. ماهیگیر فرانسوی ماهی را بقلاب می‌گیرد و از دیدن اینکه در دستش می‌افلد، می‌خندد. ماهیگیر امریکایی دستش را در درون آب می‌کند، ماهی را بیرون می‌کشد، آن را به زمین پرت می‌کند به آن لگد می‌زند. سپس نگاهی به آن می‌افکند، آن را دوباره به داخل منبع آب می‌اندازد و شروع به غذا دادن به آن می‌کند، اما ماهیگیر انگلیسی ماهی را به حال خود می‌گذارد که با آرامش شنا کند، بی‌آنکه مزاحمش شود. سپس شیر آب را باز می‌کند و می‌گذارد که آب آن خالی شود!» البته تورولیان می‌افزاید: «این داستان منصفانه نبود، اما نکته را می‌رساند.»

سال‌ها پیش در سفری به پاریس به دیدار پیرمشکزاد رفتم. تعریف کرد: «در سال‌های اول پس از انقلاب، از من دعوت کرده بودند که برای سخنرانی درباره دایی جان نایلتون به لندن بروم. در هواپیما مشغول نوشتن چند نکته روی کاغذ بودم که برای سخنرانی آماده شوم. آقای محترمی که در صندلی کنار من نشسته بود، سلامی به من کرد و گفت: ظاهراً آقا ایرانی هستند؟ گفتم: بله. گفت: دیدم به فارسی می‌نوشتید؛ توجهم جلب شد. سپس برای اینکه سر صحبت را باز کند خودش را معرفی کرد که معلوم شد از وزرای رژیم پیشین بود که طبیعتاً موقعیت گذشته را از دست داده بود و بی‌مقدمه گفت: «آقا دیدید این انگلیسی‌های حقه‌باز چه بلایی بر سر ما آوردند؟» و سپس افزود: «هزاره به یک پدروخته‌ای پول داده‌اند که کتابی نوشته به نام دایی جان نایلتون و دخالت انگلیس‌ها در امور ما را به طنز گرفته که یعنی این حرف‌ها نیست و ما نوجه‌ی ببینید چقدر پدروخته هستند. در حالی که کار کلاهِ مرا انگلیس‌های حقه‌باز است.» سپس با توجه به اینکه خودش را معرفی کرده بود طبیعتاً انتظار داشت که من نیز خودم را معرفی کنم و بپرسد: «بنده افتخار آشنایی با چه کسی را دارم؟» و من که جا خورده بودم و با آن مقدمه جرات معرفی خودم را نداشتم، بدون درنگ عرض کردم: «بنده هم ایوالقاسم ضیغمی، کارشناس معاملات ملکی هستم!»